



تفسير انجيل متي  
برای مشاوران مسیحي

**The Christian Counselors Commentary  
The Gospel of  
Matthew**

نویسنده: شاهرخ صفوی  
ویرایش: فرح صفوی  
مرجع: جی آدامز

## پیش نویس نویسنده

جی آدامز، بنیان گذار مکتب مشاوره مسیحی بود، و ما شاگردان او، دنباله آنچه آغاز کرده را ادامه می دهیم. کتابی که در دست دارید، آنچه مربوط به کمک به متقاضی می باشد را از طریق تفسیر انجیل (متی) برای مسیحیان فارسی زبان فراهم شده است.

امیدوارم این کتاب باعث برکت شما بشود و پادشاهی خدا همانگونه که وعده داده (ارمیا ۴۹) در دل همه فارسی زبانان جهان جای بگیرد. آیات منتشر شده از ترجمه هزاره نو می باشند، مگر ذکر شده باشد. آمین

شاهرخ صفوی

متی ۱۶

- ۱: آنگاه فریسیان و صدوقیان نزد عیسی آمدند تا او را بیازمایند.  
بدین منظور از او خواستند تا آیتی آسمانی به آنان بنمایاند.
- ۲: در پاسخ فرمود: «هنگام غروب، می گویند  
”هوا خوب خواهد بود، زیرا آسمان سرخ فام است،“
- ۳: و با مدادان می گویند ”امروز هوا بد خواهد شد، زیرا آسمان سرخ و گرفته است.“  
شما نیک می دانید چگونه سیمای آسمان را تعبیر کنید،  
اما از تعبیر نشانه های زمانها نا توانید!
- ۴: نسل شرارت پیشه و زناکار آیتی می خواهند،  
اما آیتی به آنها داده نخواهد شد جز آیت یونس نبی.»  
پس آنها را ترک گفت و به راه خود رفت.

مذحبیون یهود از عیسی می خواستند نشانی از روحانیت خود بدهد (معلوم است تمام آنچه دیده و شنیده بودند را رد کرده اند). چرا...؟ چون دین به ظاهر می اندیشد و خدا به دل. ما نشانی از ظاهر عیسی نداریم، ولی یقیناً 'کاریزماتیک' نبود. تازه هر چه نشانی از روحانیت ببیند را نیز نخواهد فهمید. دین و مذهب راهی است که انسان (گناه کار) برای رسیدن به خدا برای خود ساخته، و کوشش خود را می کند تا این راه را برود، ولی راهش او را به جای خود بر می گرداند. دین ناکامی بار می آورد و چه بسا که جنگ ها بخاطر دین و مذهب راه افتاده است. در دنیای امروزه، داشتن اعتبار شخصی بسیار ارزشمند می باشد. چرا...؟ چون دنیا اعتباری ندارد، و هر چه انسان بخواهد مصرف کند، لازم است سنجش خود (اعتبار آن) را بکار برد. حال از این انسان بخواهید پیام خدا را مصرف کند! البته با این شرایط برایش امکان پذیر نخواهد بود. ابتدا زمینه کار برای شناخت پیام (شنیدن)، باید فراهم شود.

عیسی مثالی در این رابطه بیان می کند تا با آنچه آشنا هستند (هوا)، آن را آشکار کند. ابتدا به انگیزه آنها می پردازد؛ "نسل شرارت پیشه و زناکار آیتی می خواهند". ابتدا آنها را جز "نسل" می شمارد. یعنی آنها پیرو افکار و رفتاری هستند که از قدیم حکم فرما بوده (عهد قدیم)، و آنچه عیسی می گوید با آن فرق دارد. می گوید، "نسل شرارت پیشه و زناکار آیتی می خواهند" (۴). خصوصیات این نسل را عنوان می کند. آنچه باعث مسائل و مشکلات زندگی می شود همین خصوصیات هستند. شریر است در انسان، که او را "شرارت پیشه" می نماید، و تا زمانی که پیام خدا (کلام) بر دل او ننشیند (روح القدس آزاد نگردد)، آن پوسته سختی که بر دلش دارد، شکسته نخواهد شد، و چیزی درون دلش رخنه نخواهد کرد. بسیاری بودند که پیام را دریافت کردند و شفا یافتند، اما تعدادی مانند اینان، کماکان دنبال نشانی برای باور کردن می گشتند. عیسی دیده بود که این افراد قابلیت دریافت را ندارند و در نتیجه، "پس آنها را ترک گفت و به راه خود رفت" (۴).

## متی ۱۶

۵: چون به آن سوی دریا رفتند،

شاگردان فراموش کردند با خود نان بردارند.

۶: عیسی به ایشان گفت: «آگاه باشید و از خمیر مایه فریسیان و صدوقیان دوری کنید».

۷: پس ایشان در میان خود بحث کرده، می گفتند: «با خود نان نیاورده ایم».

۸: عیسی این را دریافت و به ایشان گفت:

«ای سست ایمانان، چرا درباره اینکه نان ندارید با هم بحث می کنید؟»

۹: آیا هنوز درک نمی کنید؟

آیا به یاد ندارید آن پنج نان و پنج هزار تن و چند سبد را که برگرفتید؟

۱۰: یا آن هفت نان و چهار هزار تن و چند زنبیل را که برگرفتید؟

۱۱: پس چرا درک نمی کنید که با شما درباره نان سخن نگفتم؟

بلکه گفتم که از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان دوری کنید».

۱۲: آنگاه درک کردند

که بدیشان درباره تعلیم فریسیان و صدوقیان هشدار داده است،

نه درباره خمیر مایه نان.

شاگردان گرسنه شده بودند و صحبت از نان می کردند که عیسی گفت، "آگاه باشید و از خمیرمایه فریسیان و صدوقیان دوری کنید" (۶). عیسی با زبان خودشان صحبت می کرد، اما نمی فهمیدند. خمیر مایه را می شناختند، اما ارتباطش را با فریسیان و صدوقیان نمی دیدند. عیسی می گوید، "آیا هنوز درک نمی کنید؟". "هنوز" لغت اضطراری است. یعنی از امکاناتی که دارید (دید و شنیده اید) استفاده نکرده اید ("آیا هنوز درک نمی کنید؟"). خدا پیامش را به ما می دهد، اما اگر ما از آن برداشت نکنیم، شیطان از آن برداشت خواهد کرد.

شاگردان فراموش کرده بودند که عیسی تعداد معدودی نان و ماهی را برکت داد و آن ها را چند برابر کرده بود. مثال خمیر مایه نشان خوبی از طریق کار روح در دل انسان می باشد. مقدار کمی از آن (روح شیطان) تمام خمیر (بدن) را پر می کند. اتفاقاً روح خدا (روح القدس) نیز، از مقدار کم آغاز می کند و به مرور زمان تمام جوانب زندگی فرزند خدا را در بر می گیرد. منظور وضع دل انسان است، که نیاز به تغییر دارد، تا بتواند خدا را در خود جای دهد. آنچه از قدیم بود ("نسل شرارت پیشه و زناکار") باید بیرون رانده شود (با در نظر گرفتن خصوصیتی که فرزند را گریبانگیر کرده)، و سپس جایش با مکتب خدا (خصوصیتی که خدا دارد) پر گردد. "آیا هنوز درک نمی کنید؟" (۹). وقتی از کلمه "درک" استفاده می کنیم، جنبه فکری و عقیدتی را می خواهیم بیان کنیم. او لازم است آنچه می شنود را در افکار خود بسنجد (اعتبار شخصی)، و در این هنگام سوالاتی (شک ها) بیان می کردند تا اعتباری برای برداشت از آن را بدست آورند. جواب به همین سوالات است که اعتبار شخصی را بوجود می آورند. ممکن است امروز سوالاتی داشته باشند، و فردا سوالات دیگری برایشان بوجود آید. به این دلیل است که عیسی، جوانب مختلفی از هر موضوع را بیان می کرد و انتظار میوه را می داشت و وقتی آن را دید، می گوید، "خوشا به حال تو، ای شمعون" (آیه ۱۷)، و وقتی آن را نمی بیند می گوید، "آیا هنوز درک نمی کنید؟".

نمی توان انتظار داشت که همه ایمان آورند، و یا در یک لحظه ایمان آورند. مکتب روحانی خدا در هر فرد، زمان لازم خود را دارد، و عیسی نه تنها به دفعات مختلف، جوانبی که دارد را نشان داد، بلکه اسرار بر کوشش شنوندگان نیز داشت، "آیا هنوز درک نمی کنید؟". اما.....، تا زمانی که درک نکرده بودند، دست از کار نکشید.

### متی ۱۶

۱۳: چون عیسی به نواحی قیصریه فیلیپی رسید، از شاگردان خود پرسید:

«به گفته مردم، پسر انسان کیست؟»

۱۴: آنان پاسخ دادند: «برخی می گویند یحیای تعمید دهنده است.

بعضی دیگر می گویند ایلیا، و عده ای نیز می گویند

ارمیا یا یکی از پیامبران است.»

۱۵: عیسی پرسید: «شما چه می گوید؟ به نظر شما من کیستم؟»

۱۶: شمعون پطرس پاسخ داد: «تویی مسیح، پسر خدای زنده!»

۱۷: عیسی گفت: «خوشا به حال تو، ای شمعون، پسر یونا!

زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد،

بلکه پدر من که در آسمان است.

۱۸: من نیز می گویم که تویی پطرس، و بر این صخره،

کلیسای خود را بنا می کنم و

دروازه های هاویه بر آن استیلا نخواهد یافت.

۱۹: کلید های پادشاهی آسمان را به تو می دهم.

آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد

و آنچه بر زمین بگشایی،

در آسمان گشوده خواهد شد.»

۲۰: آنگاه

شاگردان خود را منع کرد

که به هیچ کس نگویند

او مسیح است.

عیسی در این هنگام می خواست نظر مردم از آنچه شاگردانش راجع به او گفته بودند را بشنود. می خواست معیاری از آنچه دریافت شده را آشکار سازد (دست رنجشان چه بود). آنها نیز می گویند "برخی می گویند یحیای تعمید دهنده است. بعضی دیگر می گویند ایلیا، و عده ای نیز می گویند ارمیا یا یکی از پیامبران است." همه از عهد قدیم صحبت کرده بودند، و کسی هنوز عیسی را درک نکرده بود (معیار دست رنج، هیچ بود). نتیجتاً از شاگردان پرسید، "شما چه می گوید؟ به نظر شما من کیستم؟" (۱۵). طبق معمول پطرس قبل از همه اعتراف می کند، "تویی مسیح، پسر خدای زنده!" او برداشت را آغاز کرده بود. آنچه فرزند خدا بر زبان می آورد و خود شاهد گفتن آن می گردد (تکرار کلام)، باعث سنجش اعتبار شخصی او می گردد. این ابتدای جنگ روحانی اوست. روح القدس ابتدا، آنچه باعث مسیبت فعلی او شده را از طریق افشای آنچه خدا راجع به آن گفته (آیات مربوطه) به میان می آورد (یعقوب ۱: ۲). خصوصیات هر یک در

مقابل هم قرار می گیرند، و آنوقت دوره برداشت (پایداری) فرا می رسد. ما می دانیم که قدرت خدا از شیطان به مراتب بیشتر است (خالق / مخلوغ). اما شیطان در تمام جوانب زندگی اثر گذاشته، و در هر فرزند، روح القدس زمان لازم خود را دارد تا میوه ویژه او را بار آورد. بعضی میوه ها زمان بیشتری لازم دارند تا رسیده شوند (مانند مارچوبه، ۲ - ۳ سال).

در آیه ۱۷، "عیسی گفت: «خوشا به حال تو، ای شمعون، پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد، بلکه پدر من که در آسمان است». ابتدا می گوید "خوشا به حال تو، ای شمعون". یعنی آنچه بدست آوردی برای حالت، خوش خواهد بود. سپس می گوید، "پسر یونا! زیرا این حقیقت را جسم و خون بر تو آشکار نکرد"، یعنی آنچه از خدا دریافت کردی ظاهری نبود، و آخرش می گوید، "بلکه پدر من که در آسمان است"، یعنی این حقیقت جنبه باطنی تو را دارد که خدا وارد آن شده و باعث این حرف تو شده است.

لازم به تذکر است که بعضی ایمانداران از جنبه "آشکار" سازی خدا سو استفاده می کنند و می گویند 'خدا بمن این را گفته'. در محبت خدا باید این گفته خدا را بر طبق کلامش مورد سنجش قرار داد. اگر مطابق است، لازم است خود کلام را بجای گفته خدا مورد استفاده قرار داد، و اگر مطابق با کلام نیست، باید انگیزه چنین برداشتی را بدست آورد. به چه دلیل خدا این را به شما گفت؟ نگذارید اشکالات روحانی ایمانداران بدون اصلاح شدن، از شما دور شود. امکان دارد آن اشتباه گریبانگیر آیندگان شما نیز بشود. آنچه از خدا دریافته اید، مال خداست (اصولاً خدا می گوید ما مال خدا هستیم، و برای رفاه شما و هر که ارتباط با او دارید، می باشد. مانند آنکه هر چه دریافت می کرد را زیر زمین پنهان می کرد تا دزد آن را نبرد، نباشید. عاقبت چنین کاری دست رنج شیطان خواهد شد.

در آیه ۱۸، بنیان گذاری کلیسا عیسی مسیح را شاهد می شویم؛ "من نیز می گویم که تویی پطرس، و بر این صخره، کلیسای خود را بنا می کنم". "صخره" جای بسیار محکمی است. توان استقامت در مقابل تاخت و تاز های شیطان را دارد. اما توجه داشته باشید که او چه می گوید .... "تویی مسیح، پسر خدای زنده!" خدای زنده را شناخته بود و پسر زنده او را در مقابل خودش می دید. اگر خدا بقدر کافی در کلیسا حضور داشته باشد، آن کلیسا نیز صخره خواهد گردید (جمع خواهد کرد، و تنها آنکه درب آسمان بر او بسته شده، آن را ترک خواهد نمود). این حضور قدر کافی خدا در کلیسا چیست ....؟ آموزش و پرورش اعضای کلیسا در مکتب عیسی مسیح (افکار و رفتار ویژه هر یک). آنکه در کلیسا ایمان آورده قدرت برداشت فکری لازم را دارد (روح القدس در او)، اما کسی نیست کمک کند این افکار جدید خدا را شامل زندگی (رفتار) خود نماید. چرا ....؟ چون زحمت آموختن جنبه عملی کلام خدا را بخود نداده اند. در نتیجه با خودشان برداشت و تعبیر خودشان را ارائه می دهند (که خدا برای او ساخته)، یا دست به دامن 'روانشناسان مسیحی' می گردند. نگذارید آنچه به زبان می آورید را شیطان برباید، بلکه تخمی که می کارید را پرورش نیز بدهید (افکار + رفتار). آنچه به زبان می آورید باید ریشه در کلیسا افکنده باشد تا تبدیل به "صخره" شود.

آیه ۱۹ می گوید، "کلید های پادشاهی آسمان را به تو می دهم". یعنی کلید های خزانه خدا (خصوصیات بهستی) را در دست کلیسایم گذاشته ام. و در ادامه، "آنچه بر زمین ببندی، در آسمان بسته خواهد شد"، یعنی اگر درب را لازم است بر روی کسی ببندی، در پیشگاه خدا نیز بسته خواهد شد. بگونه ای که قبلاً راجع به فریسیان و صدوقیان شنیدیم که ایمان نمی آوردند و "پس آنها را ترک گفت و به راه خود رفت". درب به روی آنها بسته شد. و در ادامه می گوید، "و آنچه بر زمین بگشایی، در آسمان گشوده خواهد شد"، یعنی آنچه برای کلیسا بخواهی، خدا عطا خواهد نمود؛ "در آسمان گشوده خواهد شد". آنچه بهستی است را بدست خواهد آورد. البته هر یک از این عطایا مستلزم کوششی است که برای برداشت از آن به خرج می دهید ("بخواهید، که به شما داده خواهد شد؛ بجوید، که خواهید یافت؛ بگوئید، که در به رویتان گشوده خواهد شد")، شک نداشته باشید که روح القدس در شما، قدرت لازم برای دریافت آن را دارد (با وجود آنکه آن را حس نمی کنید)، اما در صورتی که از همایت شما نیز (کوشش) برخوردار باشد.

اما در رابطه با باز و بسته کردن کلیسا، عیسی مسیح این موضوع (انضباط کلیسا) را بگونه دیگری (عضویت کلیسا) نیز شهر داده است (۱۸: ۱۵). آنچه مربوط به این قسمت از کتاب می باشد، «محدوده مکتب روحانی خدا است (مسیر تنگ و باریک)، در دنیای از جلال افتاده (معیار خدا)، که بدست کلیسا سپرده شده است. این محدوده روحانی باعث تغییر در زندگی انسان (نا محدود) باید بوده باشد. انگیزه و تمایلات انسانی نهایتاً باید تغییر کرده باشند.

در کلیسای سنتی عیسی مسیح، نشانی از نحوه عملکرد خدا در این مسیر تنگ و باریک، دیده نمی شود. تنها شهادت (برداشت شخصی) از آنچه خود داشته (نتیجه کار) به دیگران منتقل می گردد. برادر، خواهر، به به و چه را بگذار دیگران نیز بدست آورند. خدا را باید تجربه کرد تا شیخ به او شد. اگر حذف تجربه نباشد (بجای دانشمندی)، کرم است که بجای می آورد (خروج ۱۶: ۲۰). این را ما مشاوران مسیحی می گوئیم، چون خدا آن را گفته. افکاری که از خدا در شما بوجود می آید، اگر از خدا بوده باشد، تجربه آن افکار است که حاصل آن افکار را وجود می آورد. تخم کاشته شده اگر ریشه نگذارد، هتماً ریشه شیطان را خواهد گرفت. بیاد داشته باشید؛ دو روح در این دنیا بیش نیست. پس آنچه در کلیسا کاشته می شود باید محصول بیاورد، اگر نه خیال بافی بیش نیست. شیطان است که نان هضم نشده شما را خوراک خود خواهد نمود (زبان بازی). آنچه خدا در صحرای دنیا، خورد فرزندش می دهد، اگر هضم نگردد، کرم انداخته و باعث مرگ او می شود. یادتان باشد، هیچکس از سلامتی نمرده. اما اگر شما تنها نسخه دارو را بدهید (پیام)، و خود را مسئول چگونگی میوه شمارید، اشتباه کرده اید. روح القدس را نادانسته محزون ساخته اید. درب را نادانسته بسته نگاه داشته اید. به کلیسا لطمه وارد ساخته اید. در صورتی که هر فرزند خدا خواست ویژه خدا را در خود دارد. در این محدوده زندگی روحانی خدا، ایمانداران بسیاری هستند که هر یک نیاز به برداشت ویژه خود دارند (از کلام)، تا با کمک از کلیسا، آن برداشت ویژه خود را در برابر معیار خدا قرار بدهند، و نتیجه (میوه روح القدس) را دریافت نمایند (نه میوه مختص شما).

این کار کلیسا نیز، نیاز به ایمان دارد تا درب آسمان به روی آن باز گردد. ایمان ....، از شناخت، و برداشت از آن شناخت، بوجود می آید. اما....، شناخت صحیح و ناصحیح را نیز داریم. باید مطابق با مسیر تنگ و باریک خدا باشد تا روح القدس توانای برداشت از آن را بدست آورد (۱). کلام خدا است که محدوده مکتب خود را در این دنیای از جلال افتاده به فرزندان داده، و روح القدس تنها آنچه خود نوشته را بجای می آورد. اگر خوراک روزانه ما تنها نان این دنیا نبوده باشد، بلکه آغشته به نان آسمانی نیز بوده باشد، آنوقت نانی که ممد حیات ما هست را، از خدا دریافت خواهیم کرد (شاید هم بیشتر از نیاز).

## متی ۱۶

۲۱: از آن پس عیسی به آگاه ساختن شاگردان خود از این حقیقت آغاز کرد که لازم است به اورشلیم برود و در آنجا از مشایخ و سران کاهنان و علمای دین آزار بسیار ببیند و کشته شود و در روز سوم برخیزد.

۲۲: اما پطرس او را به کناری برد و سرزنش کنان گفت: «دور از تو، سرورم! مباد که چنین چیزی هرگز بر تو واقع شود».

۲۳: عیسی روی برگردانیده، به او گفت: «دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی، زیرا افکار تو انسانی است نه الهی».

۲۴: سپس رو به شاگردان کرد و فرمود: «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید».

۲۵: زیرا هر که بخواهد جان خود را نجات دهد، آن را از دست خواهد داد؛ اما هر که به خاطر من جان خود را از دست بدهد، آن را باز خواهد یافت.

۲۶: انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را بیازد؟ انسان برای باز یافتن جان خود چه می تواند بدهد؟

۲۷: «زیرا پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد».

۲۸: آمین، به شما می گویم، برخی اینجا ایستاده اند که تا پسر انسان را نبینند که در پادشاهی خود می آید، طعم مرگ را نخواهند چشید».

نمونه آنچه شناخت ناصحیح از خدا می باشد، و جلوه دار نتیجه ننگینی از زندگی خداگانه نیز می گردد را، در این قسمت شاهد می شویم. عیسی موضوع مرگ و حیات را میان می آورد. می گوید قرار است از جانب، "مشایخ و سران کاهنان و علمای دین آزار بسیار ببیند و کشته شود" (۲۱). یعنی دیگر وجود نداشته باشد. برای ابد از دست شاگردان گرفته شده و به خاک سپرده گردد. آن هم همراه "آزار بسیار"! می گوید به جسم منگر، که عمرش کوتاه است. روح القدس در تو همچون پدر جاویدان و بی انتهاست. اما پطرس اشتباه کرد و غیرت انسانی او، شناخت ناصحیح او را نشان داد، "دور از تو، سرورم!". البته او روح القدس را دریافت کرده بود، اما چون نو ایمان بود فرق میان جسمانی و روحانی را نمی دانست، عیسی به زبان روحانی او را ملامت نمود، "دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی،" و ما که با واسطه جان دادن عیسی مسیح، نجات را دریافت کرده ایم این را درک می کنیم، که فاجعه ای می شد اگر جانش فدای



انسان نمی شد. می گوید، "دور شو از من، ای شیطان! تو مانع راه منی، زیرا افکار تو انسانی است نه الهی". شیطان آنچه مربوط به روح است را مخفی ساخته (محزون کرده). به همین دلیل مردم نمی دانند چرا مسائل و مشکلات نسبی‌شان می گردد. در صورتی که روح است که تحرک دل است (رفتار)، و آنچه از دل بر میخیزد، نتیجه خود را نیز بجای می گذارد. بعنوان مثال، "آنگاه روح، عیسی را به بیابان هدایت کرد تا ابلیس و سوسه اش کند" (۴: ۱).

آنوقت می رسیم به اصل موضوع .... «اگر کسی بخواهد مرا پیروی کند، باید خود را انکار کرده، صلیب خویش برگیرد و از پی من بیاید» (۲۴). صلیب نشانه مرگ است و خود را انکار کردن یعنی انگیزه و تمایلات انسانی را دفع کرده، کلام را اطاعت کنید. ما مشاوران مسیحی می دانیم که مسائل و مشکلات زندگی فرزندان خدا بیشتر جنبه انگیزه و تمایلات انسانی دارد که خود توان تغییر آن نمی باشند. دو یا سه نفر باید همفکر بوده باشند. همچنین می دانیم تجربه ثابت کرده که میان ۴ تا ۸ هفته لازم است تا متقاضی جواب مسئله خود را از خدا (تنها کلام و روح القدس) دریافت نماید. شاید روانشناسان زودتر به هدف برسند، اما میوه شان جاودانی نیست. تغییر و شهادت به آن است، که کلیسا را سخره می سازد.

می گوید، "انسان را چه سود که تمامی دنیا را ببرد، اما جان خود را ببازد؟". زندگی دنیوی (از جلال افتاده) جان تکان است و نتیجه آن جان دادن است. سلیمان در کتابش گفت که هر چه در این دنیا هست، بیهوده است، و جز پشیمانی چیز دیگری بار نمی آورد. اما، دل به عیسی آور، و او قادر است همان دنیای بیهوده و پشیمان را برایت اصلاح نماید.

و نهایتاً می گوید، "پسر انسان در جلال پدر خود به همراه فرشتگانش خواهد آمد و به هر کس برای اعمالش پاداش خواهد داد" (۲۷). خدا "پاداش" می دهد، ولی شیطان جزا می دهد. هر دو امکان را در این دنیا، و دنیای آخرت خواهیم داشت. خدا نه تنها پیش گوئی مرگ خود را به شاگردانش اعلام کرد، بلکه پیشگوئی دیدن دوباره آنها را نیز پس از سه روز، اعلام نمود(۲).

### فهرست زیر نویس های فصل شانزدهم

- (۱) مسیر تنگ و باریک خدا را در کتاب 'مکتب روحانی مشاوره مسیحی' می توانید بدست آورید.
- (۲) شاید منظورش سال هفتاد میلادی بود که دوباره ظاهر گردید.